

توانمند سازی سکونتگاه‌های غیر رسمی با تکیه بر سرمایه اجتماعی

نمونه موردی: شهرک شهید باهنر مشهد

شهاب عباس زاده^۱، حمید گوهری^۲

۱- استادیار و مدیر گروه معماری، دانشگاه تربیت معلم سبزوار

shahab.arch@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه طراحی شهری - واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی

hamid.gohari220@gmail.com

چکیده

رشد سریع شهر و شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری در کشور یکی از مشکلات کلانشهرها می‌باشد. یکی از معضلاتی که این نوع توسعه در پی داشته، پیدایش و توسعه سکونتگاه‌های غیر رسمی و حاشیه‌ای بوده و به دنبال آن فقری است که در وجوه مختلف این سکونتگاه‌ها معنی پیدا می‌کند و مهمترین جنبه آن فقر اقتصادی است. شهرک شهید باهنر به عنوان سکونتگاهی غیر رسمی و حاشیه‌ای در شهر مشهد شناخته می‌شود که علی‌رغم وجود پیوندهای اجتماعی قوی و جمعیت جوان و جویای کار دارای اقتصاد شهری ناپایدار و غیر رسمی می‌باشد. در این مقاله بهبود وضعیت اقتصاد شهری شهروندان به عنوان یک مساله میان رشته‌ای^۱ قلمداد شده و سعی شده تا از پرسپکتیوی متفاوت‌تر مورد تدقیق قرار گیرد.

هدف این پژوهش بررسی تاثیر و چگونگی استفاده از سرمایه اجتماعی به عنوان بخشی تاثیر گذار در فرایند توانمند سازی سکونتگاه غیر رسمی شهرک شهید باهنر می‌باشد. در این راستا پژوهش با استفاده از تحلیل و آنالیز ادبیات موضوع گسترده^۲ در قالب یک مقاله انتقادی- مبانی نظری^۳ در نهایت به ارائه شاگله مبانی نظری تحقیق^۴ پرداخته است. با عنایت به این مهم که تحقیق مورد نظر کیفی^۵ می‌باشد، در ادامه با انجام مطالعات میدانی^۶ از طریق تکنیک کمی پرسشنامه^۷ به مقایسه چارچوب نظری مستخرج از ادبیات موضوع و اطلاعات جمع آوری شده از طریق پرسشنامه در جهت تایید اعتبار^۸ آن اقدام شده است. از نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان به این مهم اشاره کرد: تغییر نگرش ساکنین، (که در سطح اول در جلب اعتماد و اطمینان)، را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین عوامل در مشارکت پذیری مردم در توانمند سازی شهرک شهید باهنر برشمرد. در این راستا، اساسی‌ترین کاری که در زمینه تامین اعتماد و مشارکت در این سکونتگاه می‌توان متصور بود افزایش سطح سرمایه اجتماعی است که با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده می‌تواند باعث بهبود منابع و منافع اقتصادی افراد و در نتیجه افزایش رفاه و پایداری اقتصاد شهری شهروندان و ساکنین شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد شهری - توانمند سازی - مشارکت - سرمایه اجتماعی - سکونتگاه غیر رسمی

¹ Interdisciplinary

² Rigorous Literature Review

³ Position Paper

⁴ Theoretical Framework

⁵ Qualitative Research

⁶ Data Collection

⁷ Questionnaire Survey

⁸ Validity

رشد سریع شهر و شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری در کشور یکی از مشکلات کلانشهرها می‌باشد. یکی از معضلاتی که این نوع توسعه در پی داشته پیدایش و توسعه سکونتگاه‌های غیر رسمی و حاشیه‌ای بوده که معمولاً طیف گسترده‌ای از قشر مهاجر و کم درآمد را در خود جای می‌دهد. در این نوع بافت‌ها تلاش برای فرار از قانون و بی ضابطگی برای اسکان منجر به بروز فقر در وجوه مختلف زندگی می‌شود. فقر در وجوه مختلف این سکونتگاه‌ها معنی پیدا می‌کند. مهمترین جنبه این مقوله فقر اقتصادی است که بر وضعیت معیشتی و درآمدی ساکنین تاثیر مستقیم می‌گذارد. بر این اساس کاهش فقر در این اجتماعات شهری - روستایی از اهداف مهم طرح‌های توسعه و ساماندهی می‌باشد. ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی فراتر از جنبه‌های کلیدی آن است و در آن توسعه اجتماعات محلی و کاهش فقر شهری مورد نظر می‌باشد. لذا در این رویکرد تکیه صرف بر بخش عمومی و دولتی نیست، بلکه مشارکت مردمی در راستای افزایش اعتماد شرط اصلی تحقق است. بهبود وضعیت سکونتگاه‌های غیر رسمی و فرسوده شهری به خصوص بعد اقتصادی آن، همواره از دغدغه‌های فکری مسئولین و کارشناسان بوده است و آنها را وادار به استفاده از روشها و تکنیک‌های متفاوتی کرده است. توجه به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری منجر به اتخاذ روش‌ها و رویکردهای مشارکتی به منظور حل معضلات گشته است. استفاده از شیوه مشارکت در توانمند سازی این نوع از سکونتگاه‌ها عملاً مردم را در فرآیند طراحی، بهره برداری و اجرا درگیر خواهد کرد. افراد جامعه توسط مشارکت توانایی استفاده از استعدادهای بالقوه و درونی خویش جهت به فعالیت درآوردن و بالفعل کردن آنها را پیدا می‌کنند از این منظر مردم می‌توانند تاثیرات عمیق‌تری نسبت به دیگر بخش‌ها داشته باشند. استفاده از پتانسیل‌های مردمی به شرط مشارکت پذیری آنان در فرآیند توانمند سازی امکان پذیر خواهد بود توجه به این ضرورت فرآیند برنامه ریزی را به سمت راهبردهای افزایش سرمایه اجتماعی⁹ راهنمایی کرده است.

سرمایه اجتماعی امروزه اساساً از شروط لازم برای تحقق توسعه محسوب می‌شود. این مفهوم در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و... از اهمیت به سزایی برخوردار است. اقتصاد جدید برای سرمایه اجتماعی تقاضای مداومی را به وجود آورده است. اینکه آیا برای برآوردن این تقاضا ذخیره کافی وجود دارد به عوامل گوناگونی بستگی دارد که بخشی از آن توسط مهارت، آموزش و تعاونی‌ها ایجاد می‌شود. در این میان اعتماد به عنوان تاثیر گذارترین متغیر در روابط میان مردم، کارشناسان و مسئولین در تامین سرمایه اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. موارد مطرح شده ضرورت توجه به متغیرهای برانگیزاننده افزایش سرمایه اجتماعی را در فرآیند توانمند سازی و بهبود منابع و منافع اقتصادی سکونتگاه‌ها مشخص می‌کند.

شهرک شهید باهنر از جمله سکونتگاه‌های غیر رسمی و ناپایدار در حاشیه شهر مشهد می‌باشد که تحقق توسعه و افزایش پایداری اقتصادی در آن تحت تاثیر فرضیه افزایش سرمایه اجتماعی، به عنوان شرط اصلی توسعه در این نوع سکونتگاه‌ها، لزوم بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر فرضیه فوق را از اهمیت بالایی برخوردار کرده است. از این رو در این پژوهش بر آنیم از مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با مشارکت و سرمایه اجتماعی به منظور تعیین چارچوبی تحلیلی به منظور دستیابی به رفاه اجتماعی و اقتصاد پایدار با توجه به دیدگاه توانمند سازی در بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیر رسمی کمک گرفته شده است و در انتها دیدگاه‌ها و نتایج مرتبط به صورت خاص برای شهرک شهید باهنر بیان شده است.

⁹ Social Capital

فرآیند توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی

سکونتگاه حاشیه‌ای و غیر رسمی پدیده‌ای است که در طول شصت سال گذشته در شهرهای بزرگ ایران پدیدار شده است. این نوع سکونتگاه‌ها عموماً غیر قانونی، فاقد خدمات، دارای تراکم بالای جمعیتی و کالبدی می‌باشند و در مناطق نامناسب شهری شکل می‌گیرند. این پدیده را می‌توان در ابعاد مختلف زندگی (کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و ...) بررسی نمود. مفهوم حاشیه نشینی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی آن می‌تواند به این صورت تعریف کرد: حاشیه نشین به مفهوم کلی به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب چرخه اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. در نتیجه به عنوان شهروندان رسمی و مشروع جامعه شهری پذیرفته نشده‌اند (درکوش، ۱۳۸۵).

بر اساس خصوصیات و ویژگی‌های عام اجتماعی و اقتصادی، چگونگی مداخله در این زمینه‌ها با توجه به دیدگاه‌های لیبرالی، غیر لیبرالی و جامعه‌گرایان در بافت‌های حاشیه‌ای و غیر رسمی نیازمند بررسی و شناخت عمیق مسائل است و آنچه باید همواره مد نظر باشد این است که مداخله در هر نوع بافت شهری امری کاملاً اجتماعی است و با فرهنگ آن جامعه در ارتباط است. در اواخر دهه ۱۹۸۰ سازمان ملل برای جلوگیری از بحران مسکن و بیکاری، راهبرد توانمندسازی را به عنوان یک استراتژی پایین به بالا ارائه کرد. راهبرد توانمندسازی جایگزین رویکردهای بالا به پایین شامل تخریب و پاکسازی، مکان و خدمات و بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شد. در این راهبرد به دولت‌ها توصیه شد که سیاست‌های مناسبی را از جمله تدارک پشتیبانی مالی و فنی برای آنها بیابند که در بخش غیررسمی شاغلند، اتخاذ کنند. در بهترین مفهوم توانمند سازی در برگیرنده افزایش استفاده از ظرفیت‌های درونی جوامع شهری برای اداره امور عمومی و اجتماعی آنهاست (کمانرودی، ۱۳۸۵). در این رویکرد مشارکت از اهمیت بالایی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی و سیاسی برخوردار است. مزیت اصلی مشارکت از دیدگاه اجتماعی فعال کردن، مسئولیت پذیرتر کردن، افزایش روحیه اجتماعی، حس همکاری و اعتماد افراد جامعه است. مشارکت امکان ترفیع، آموزش و تربیت اقشار کم درآمد و محروم از قدرت را فراهم می‌کند و آنان را در اجتماع به هم پیوند می‌دهد.

رویکرد مشارکت بر اساس برنامه‌های توسعه درون زای جوامع انسانی به عنوان یک استراتژی پایدار در سال‌های آتی مطرح شده است. بر این اساس لزوم توجه به مشارکت در توسعه درون‌زای جوامع ناپایدار (سکونتگاه‌های فرسوده و غیر رسمی) از اهم واجبات است. در ادامه به بیان مفاهیم و دیدگاه‌های مرتبط با مشارکت می‌پردازیم.

مشارکت

فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را به عنوان « عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن » دانسته است (رهنما، ۱۳۷۷) از نظر فرنچ لاز مشارکت جریانی است که طی آن دو دسته یا بیشتر، در ایجاد طرح‌ها، خط مشی‌ها و تصمیمات متقابل، بر همدیگر متقابلاً تأثیر می‌گذارند. سازمان بین المللی کار مشارکت را سهم افراد یا گروه‌های سازمان یافته جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی، در تسریع توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌داند (پورجعفر ، ۱۳۸۸). در این تعریف دو مسئله اهمیت دارد:

- نقش مشارکت در توسعه اقتصادی- اجتماعی

- انجام عمل مشارکت از طریق افراد به صورت جمعیت‌ها و تعاونی‌ها و یا از طریق گروه‌هایی گروه‌ها شامل سازمان‌های کار فرمایان یا اتحادیه‌های کارگری و

به نظر می‌رسد مفهوم صحیح مشارکت مردم در کارها، دادن پول و یا ابزار نیست. قدرت، نیرو و پول مردم تنها جزء کوچکی از مشارکت آن‌ها در کارها است و مهم درک، شعور و اعتقاد آن‌ها به مشارکت است. بر این اساس ورود مردم و گروه‌های اجتماعی به فرآیند مشارکت در تصمیم‌سازی و نظارت بر امور مربوط به خود، از اهمیتی فزاینده برخوردار می‌باشد که تحت تاثیر ساخت اجتماعی جامعه و متاثر از رفتارها، میزان همبستگی جمعی و ارزش‌ها، انتظارات مردمی می‌باشد. از طرفی مشارکت را می‌توان نوعی درگیری عاطفی و ذهنی اشخاص در موقعیت‌های گروهی دانست که موجب برانگیخته شدن آنها شده تا برای دستیابی به اهداف گروهی یکدیگر را بازی داده و پذیرای مسئولیت شوند (مشکلانی، ۱۳۸۴). با بهره‌گیری از دیدی کلی‌تر مشارکت را می‌توان به معنی شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمام ابعاد زندگی دانست که زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی را در بر می‌گیرد (انصاری، ۱۳۷۹).

با توجه به تعاریفی که از مفهوم مشارکت ارائه شده و تاکید بر این که مشارکت در نظریه‌های شهرسازی جهان جایگاه ویژه‌ای را به لحاظ کارکردی و محتوایی به خصوص در فرآیند نوسازی بافت‌های فرسوده به خود اختصاص داده است به بیان برخی از مهمترین این نظریات در جهان می‌پردازیم.

نظریه‌های شهرسازی مشارکتی

نظریه‌های شهرسازی مشارکتی در جهان

نظریه‌های مختلفی در زمینه شهرسازی مشارکتی از ۱۹۶۰ تا کنون مطرح شده است. در زیر به پنج نظریه اصلی و تاثیر گذار بر بافت‌های فرسوده و غیر رسمی پرداخته می‌شود (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴).

- نظریه میجلی

بر اساس این نظریه و بر مبنای پاسخ دولت‌ها به مشارکت در چهار گروه؛ شیوه ضد مشارکتی، مشارکت هدایت شده، مشارکت فزاینده، شیوه مشارکت واقعی تقسیم بندی می‌شود.

- نظریه شری ارنشتاین

ارنشتاین مفهوم مشارکت را در 1969 به نحو روشن بیان نمود. وی مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی و برای توضیح آن از نردبان مشارکت استفاده کرد. نردبان ارنشتاین در سه پله، محرومیت از مشارکت، مشارکت جزئی و قدرت شهروندان تعریف می‌شود.

- نظریه مشارکتی اسکات دیویدسون

این نظریه شامل یک گردونه مشارکت می‌باشد. در این گردونه "دیویدسون" سطوح مختلفی از مشارکت را بدون هیچ ترجیحی برای هر یک ارائه می‌نماید. دیویدسون سطوح چهارگانه‌ای از مشارکت را ارائه می‌دهد که عبارتند از: اطلاع رسانی، مشاوره، مشارکت، توانمندسازی.

- نظریه میانجی‌گری

در این نظریه راهبرد میانجی‌گری به منظور به حداکثر رساندن مشارکت استفاده می‌شود و معتقد است آنچه تاکنون وجود داشته مشارکت عمومی بوده و نه برنامه ریزی مشارکتی. این نظریه برنامه ریزی مشارکتی را شامل پنج اصل تکرر، تضاد، برابری، تفاهم و فراگیری می‌داند.

جدول (۱) - جدول آنالیزی تئوری های شهرسازی مشارکتی در جهان

تئوری	زمینه فکری	نگاه به مشارکت
میجلی	دولت و مشارکت	بیان شیوه ها : ضد مشارکتی، مشارکت هدایت شده، مشارکت فزاینده، شیوه مشارکت واقعی
ارنشتاین	نردبان مشارکت	تعریف پله های مشارکت : محرومیت از مشارکت، مشارکت جزئی و قدرت شهروندان
دیویدسون	گردونه مشارکت	سطح بندی مشارکت : اطلاع رسانی، مشاوره، مشارکت، توانمندسازی.
میانجی گری	اصول مشارکت	اصول مشارکت : تکرار، تضاد، برابری، تفاهم و فراگیری

ماخذ : نگارندگان (به نقل از سعیدی رضوانی)

نظریه های شهرسازی مشارکتی در ایران

نظریه های فوق مهمترین نظریات در زمینه شهرسازی مشارکتی در جهان بودند. به منظور استفاده از ادبیات موضوعی فوق در کشور، نظریه های مشارکتی با توجه به شرایط ایران به سه دسته تقسیم می شوند (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴).

- **مشارکت شعاری** : این نوع مشارکت با دیدگاهی مطلق گرایانه با هدف تامین منافع برنامه ریزان در جهت تامین اعتبار مالی طرح است.

- **مشارکت محدود** : این نوع مشارکت ابزاری جهت ارتقا کیفیت طرح ها با هدف تامین منافع شهروندان به صورت محدود در جهت تامین مالی و اجرای طرح است.

- **مشارکت واقعی** : این نوع مشارکت در راستای تبیین فرآیند مشارکت در جامعه با هدف تامین منافع شهروندان و پرداخت هزینه های آن در جهت برنامه ریزی، تصمیم گیری و هدف گیری مطلوب می باشد .

جدول (۲) - جدول آنالیزی تئوری های شهرسازی مشارکتی در ایران

تئوری	زمینه فکری	نگاه به مشارکت
شعاری	مطلق گرایانه، یکسویه و بالا به پایین	مشروعیت بخشی به طرح
محدود	کارکرد گرایانه و فن سالارانه، عمدتاً یکسو و بالا به پایین	ابزاری جهت ارتقای کیفیت طرح
واقعی	مردم سالارانه و مستقیم، دوسویه و فعال	مشارکت هدف اصلی طرح می باشد

ماخذ : نگارندگان (به نقل از سعیدی رضوانی)

با بررسی طرح های توسعه شهرسازی کشور به خصوص طرح های بهسازی و نو سازی بافت های فرسوده و سکونت گاه های غیر رسمی می توان گفت که بیشتر آن ها با هدف تامین منافع برنامه ریزان و مدیران شهری ایجاد شده اند و با نگاهی محدود و صرفاً در جهت تامین منافع مالی طرح و مشروعیت بخشیدن به آن از مشارکت مردمی بهره جسته اند به عبارتی مشارکت بیشتر جنبه ای شعاری داشته است تا واقعی. مشارکت واقعی افراد جامعه، منجر به ایجاد فرصت هایی می شود که امکان تاثیر گذاری و تاثیر پذیری در حیات جمعی و خصوصی را امکان پذیر می کند. ایده مشارکت را به نوعی می توان در توان بخشی گروه های محروم و ضعیف جامعه دانست که منجر به بهبود شرایط زندگی آنها به خصوص از بعد اقتصادی می شود به عبارتی افراد جامعه توسط مشارکت توانایی استفاده از استعدادهای بالقوه خویش جهت به فعالیت درآوردن و بالفعل کردن آن ها را پیدا می کنند. از این منظر مردم می توانند تاثیرات عمیق تری نسبت به گروه های مسئول در جهت بهبود و گسترش روابط کار در سازمان ها و جامعه داشته باشند دلایل این امر را می توان در موارد زیر جست (انصاری، ۱۳۷۹).

- امکان کمک به کار و استفاده بهتر از منابع را فراهم می آورند
- نظرات و اندیشه های مختلف مورد بحث و نقد قرار می گیرد.

- مردم تصمیماتی را که خود در اتخاذ آن شرکت داشته باشند بهتر می‌پذیرند.
- مردم در اتخاذ تصمیماتی که در وضعیت آنها تاثیر مثبت می‌گذارد، مشارکت بیشتری خواهند کرد.
- مشارکت مردمی در امور عامل تحرک در کارایی مدیریت خواهد شد.

بر این اساس افراد جامعه ترغیب به مشارکت در تامین مالی هزینه انجام طرح‌ها و تامین نیروی انسانی خواهند شد که تاثیر بارزی در تامین خدمات، فعالیتهای عمرانی و افزایش رفاه اجتماعی و بهبود سطح زندگی و معیشت جامعه خواهد داشت. در این میان موانع و محدودیتهایی در راستای رسیدن به مشارکت واقعی مردم (به خصوص در سکونتگاه‌های فرسوده و غیر رسمی) وجود دارد که مهمترین این موانع و محدودیتهای به شرح زیر می‌باشند.

عوامل مدیریتی: این عوامل تحت تاثیر عدم وجود نهادها و ساختارهای مشارکتی مناسب و مدیریت متمرکز دولتی شکل می‌گیرند و تاثیر منفی بر میزان مشارکت مردمی می‌گذارند.

عوامل اقتصادی: این عامل تحت تاثیر کمبود منابع مالی و انسانی، هزینه بر بودن به دلیل نظام اداری و بروکراسی موجود می‌باشد.

عوامل اجتماعی و فرهنگی: این عوامل تحت تاثیر بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی مردم به فرآیند توسعه، نهادینه نشدن فرهنگ مشارکت، کمبود آموزش و نا آگاهی در زمینه مشارکت شکل می‌گیرند .

عوامل ارتباطی: این عامل تحت تاثیر کمبود اطلاعات فنی و عملیاتی و عدم ارائه اطلاعات کافی به مردم در فرآیند مشارکت پذیری می‌باشد .

عوامل مطرح شده در هر سطح و جایگاهی فرآیند مشارکت مردمی، در طرح‌های توسعه را به سمت مشارکت شعاری سوق می‌دهند که گذر از این سطح مشارکت، به مشارکت واقعی و در پاره‌ای از اوقات مشارکت محدوده نیازمند ساز و کارهای مطلوب و اصولی است که در ادامه بحث به آن‌ها پرداخته می‌شود.

عوامل موثر بر دستیابی و افزایش مشارکت مردمی

اعتماد سازی، مقدمه واجب توسعه مشارکت است، توسعه مشارکت با نشان دادن چشم‌انداز آتی سرمایه‌گذاری و ایجاد مرغوبیت در کالبد و خدمات صورت می‌پذیرد (آیینی ، ۱۳۸۶). عمده ترین عامل مشارکت ، آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت فرهنگ همیاری در جامعه است و تا زمانی که نتوان فرهنگ خودمحموری و خودپسندی را در جامعه برداشت، تامین مشارکت امکان پذیر نخواهد بود (سعیدی ، ۱۱۵). بر این اساس راهبردهایی عام، به صورت زیر را می‌توان برای این بحث عنوان نمود.

- دخالت دادن در فرآیند تصمیم گیری: لازم است به مردم فرصت مشارکت در تنظیم اهداف و راهبردهای مناسب بهبود مداوم داده شود.

- مجهز کردن مردم به دانش ها و مهارت های مورد نیاز: از آنجا که منابع انسانی بزرگترین سرمایه برای هر سازمانی می‌باشد، لازم است در زمینه آموزش، سرمایه گذاری شود.

- به وجود آوردن اهداف فردی و انگیزه های درونی : مردم معمولاً از اهدافی حمایت می‌کنند که قادر به درک آن باشند، به منظور مشارکت دادن افراد لازم است اهداف کوتاه مدت و بلند مدت به صورت ساده و قابل فهم تبیین شود.

- ایجاد فرصت برای گروه‌های فرودست : نکته اساسی در مشارکت برابری انسان‌هاست و با توجه به این که گروه‌های فرودست، امکانات کمتری دارند باید امکانات لازم برای مشارکت آن‌ها فراهم شود.

راهبردهای مطرح شده می‌توانند زمینه ساز مشارکت مردمی بر اساس سه محور اعتماد سازی، نهاد سازی و ظرفیت سازی در توانمند سازی اجتماعات باشند که رسیدن به آن مستلزم همکاری نزدیک ساکنین، کارشناسان و مسئولین می‌باشد و همانطور که ایسمن و آپف تاکید دارند قرارگیری مردم در ساختار اجرایی و برنامه ریزی سازمان‌ها و نهادها می‌باشد که در ادامه تاثیری که مشارکت مردمی بر سرمایه اجتماعی و تسهیل فرآیند توانمند سازی می‌گذارد می‌پردازیم.

میزان مشارکت مردمی در فرآیند توانمند سازی و تاثیر آن بر سرمایه اجتماعی

مفاهیم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مفاهیمی است که تعاریف گوناگونی در مورد آن ارائه شده است. به منظور بیان فضای مفهومی این اصطلاح از واژگان و تعبیر مختلفی چون انرژی اجتماعی^{۱۰}، روحیه محلی^{۱۱}، پیوستگی‌های اجتماعی^{۱۲}، زندگی محلی^{۱۳}، اجتماعی^{۱۴} و... استفاده شده است (غفاری ، ۱۳۸۳). اصطلاح سرمایه اجتماعی در سال ۱۹۱۶ در مقاله‌ای به وسیله هانی فان در دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد که بعدها در کتاب « مرگ و زندگی شهرهای آمریکا » جین جاکوبس مورد اشاره قرار گرفت (پورجعفر، ۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی از مفاهیمی است که تعاریف گوناگونی در مورد آن ارائه شده است این اصطلاح از دهه ۱۹۹۰ در جامعه شناسی، مدیریت، آموزش و ... با نظر اندیشمندانی مانند جیمز کلمن، پیر بوردیو، رابرت پوتنام و فرانسیس فوکویاما کاربست یافته است (الوانی ، ۱۳۸۳). بر این اساس بخشی از مهمترین تعاریف ارائه شده از سرمایه اجتماعی را می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

- کلمن سرمایه اجتماعی را بخشی از ساختار اجتماعی می‌داند که به کنشگر اجازه می‌دهد با استفاده از آن به منافع خود دست یابد (پورجعفر، ۱۳۸۶).
- فوکویاما آن را مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند (غفاری ، ۱۳۸۳).
- استفن باس سرمایه اجتماعی را معطوف به قضایایی در مورد شرایطی که حکومت‌ها و اجتماعات محلی بتوانند برای نیل به اهداف مشترک تعاون و همکاری داشته باشند می‌داند (غفاری ، ۱۳۸۴).
- بوردیو سرمایه را در سه شکل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌بیند و سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه اقتصادی و فرهنگی را به عنوان ابزاری جهت بهبود منابع و منافع اقتصادی می‌بیند (bourdieu, 1983).
- گلن لوری اقتصاد دان، همانند ایوان لایت جامعه شناس اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای توصیف چالش‌های توسعه اقتصادی درون شهری به کار برد.

تعاریف ارائه شده از سرمایه اجتماعی، هر یک ابعادی از مفهوم آن را در جریان رشد ادبیات موضوعی گسترده^{۱۵} آن از ۱۹۸۵ تا به امروز را بیان می‌کنند. بر اساس دسته بندی صورت گرفته توسط دانشگاه هاروارد ابعاد یازده گانه‌ای به شرح (دیاگرام (۱)) برای سرمایه اجتماعی می‌توان در نظر گرفت (الوانی و سید نقوی ، ۱۳۸۲).

دیاگرام (۱) - ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی

¹⁰ Social Energy

¹¹ Community Spirit

¹² Social Bonds

¹³ Community Life

¹⁴ Social Glue

¹⁵ - Rigorous Literature Review

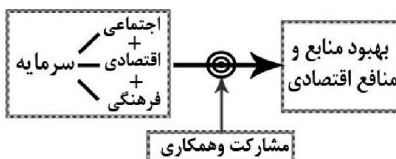


ماخذ: الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۲

دیدگاه توانمند سازی و سرمایه اجتماعی

به کارگیری رویکرد مشارکت در توانمند سازی بافت‌های فرسوده و غیر رسمی بی شک مستلزم بسیج نهادها و گروه‌های مردمی و استفاده از نظر کارشناسان خبره در این زمینه می‌باشد به عبارتی برنامه ریزی باید با مشارکت واقعی و با مردم باشد. توجه به یکپارچگی فضایی و اجتماعی حاشیه نشینان و ساکنین کم درآمد در گرو استفاده از توان و استعداد ساکنان می‌باشد (جنرویک^{۱۶}، ۲۰۰۶). به عبارتی در رویکرد توانمند سازی مشارکت، همگرایی و تشریک مساعی تمام نقش آفرینان در کنار نقش تسهیل گر بخش دولتی امری حیاتی می‌باشد. توانمند سازی بر دیدگاه فقر زدایی و توسعه پایدار انسان محور با تکیه بر مشارکت شهروندان و شهر (مدیریت شهری) متکی است. فرآیند تبیین مفهوم مشارکت در رشد و توسعه سکونتگاه‌های بر پایه کمک به ساکنان به منظور درک توانمندی‌های خود و پذیرش این نکته که بدون وابستگی به بیرون، می‌توانند در ارتقای کیفیت حیات جمعی موثر و عملاً در بهبود شرایط زندگی خود مفید باشند آغاز می‌شود. در این فرآیند توجه به سیاست‌های توسعه اصلاح طلبانه (در برخورد با این پدیده ناپه‌نچار شهری) به تدریج روند تکاملی خود را طی کرده و به سمت استراتژی‌های تشکیل سرمایه اجتماعی سوق یافته‌اند. این امر در سایه مشارکت مردمی و با ظرفیت سازی و ایجاد نهادهای لازم (غیر دولتی) و بالا بردن توانمندی‌های گروه‌های اجتماعی (از طریق برنامه‌های آموزشی، بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و...) امکان پذیر خواهد بود (مهندسین مشاور سبزاندیش پایش، ۱۳۸۲). که پیامدهای مطلوب متعددی از قبیل ارتقا شأن سکونت‌گذر از حاشیه به متن، کاهش جرم، اعتمادسازی و... را در بر خواهد داشت. به عبارتی بهترین منبع افزایش رفاه و بهبود اقتصادی در یک اجتماع، استفاده از سرمایه اجتماعی است که در هنجارها و شبکه‌ها شکل می‌گیرد (گیلرز، ۲۰۰۱).

دیاگرام (۲) - دیاگرام تحلیلی مشارکت: تسهیل‌گری جهت رسیدن از سرمایه به منافع اقتصادی در فرآیند توانمند سازی



ماخذ: نگارندگان

عوامل موثر بر شکل‌گیری مشارکت و سرمایه اجتماعی

¹⁶ - Jennervik

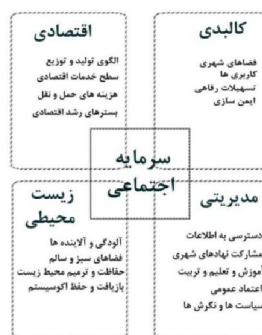
بررسی این مفهوم در سطح فردی و اجتماعی بر اساس هنجارها، شبکه‌ها و انواع ارتباطات اجتماعی می‌باشد (گیلرز، ۲۰۰۱). که مهمترین عوامل شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح خرد (محلی) بر اساس شناخت متقابل هویت اعضا، در قالب روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد که بر میزان مشارکت و اعتماد اجتماعی تاثیر گذارند، به صورت زیر آورده شده اند:

روابط فردی: در این بخش شاخص‌های سن، جنس، مالکیت، درآمد خانوار، مطالعه و ارتباطات (خواندن روزنامه یا تماشای تلویزیون)، دین باوری و تعهد دینی، رفاه خانوار، طلاق، مهاجرت را می‌توان بیان کرد.

شبکه‌های ارتباطی بین افراد: در این بخش شاخص‌های آموزش جمعی، همگونی قومی و زبانی، مسافت و هزینه دسترسی به خدمات، رویکردهای سیاسی، اندازه محل زندگی، توجه به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، دسترسی به اطلاعات و ارتباطات جمعی، فشارهای اقتصادی، امنیت شغلی، حضور شرکت‌های محلی مبتنی بر جامعه، تنوع شغلی افراد را می‌توان بیان کرد (ناطق پور، ۱۳۸۵).

ذخیره سرمایه اجتماعی در دو سطح مطرح شده (فردی و شبکه ارتباطی بین افراد) را می‌توان از طریق کارآموزی در زمینه مهارت‌های تعاونی ایجاد کرد (فوکویاما، ۸۶). به عبارتی عامل اصلی تولید سرمایه اجتماعی را می‌توان در هنجارهای تعاونی مشاهده کرد. مفاهیم و موارد ذکر شده به صورت با واسطه و چه به صورت بی واسطه، بر میزان رضایت مندی شهروندی تاثیر دارد. این رضایت مندی می‌تواند بر میزان انگیزش حس اعتماد درون گروهی یا انسجام و همبستگی میزان اعتماد مجتمع زیستی تاثیر فزاینده‌ای دارد. مفاهیم و عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی در یک مجتمع زیستی را می‌توان در چهار گروه، به صورت دیاگرام (۳) نمایش داد.

دیاگرام (۳) - دیاگرام تحلیلی عوامل موثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی

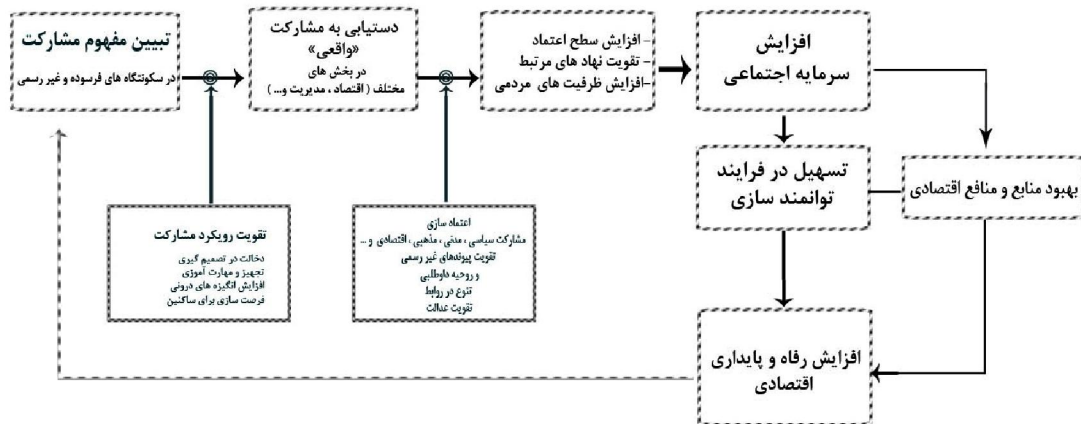


ماخذ: نگارندگان

همکاری و مشارکت در تامین نیازهای اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و ... در سکونتگاه‌های غیر رسمی در فرآیند توانمندسازی، منجر به ایجاد شبکه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها و ادراکاتی در بین مردم می‌شود که سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد با ایجاد همبستگی اجتماعی و افزایش اعتماد از نظر اقتصادی با کاهش هزینه‌ها و افزایش سطح خدمات منجر به ارتقای رفاه اجتماعی می‌شود. مشارکت یک اصل و هدف باشد و مقامات رسمی حقیقتاً مردم را شایسته به دست گرفتن امور بدانند و آنها را برای رسیدن به این هدف مقتدر سازند. اهمیت به سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی برای رفاه اجتماعی، اهمیت به یک سیاست مردم باوری است که خود یک تحول در جهت توسعه رفاه اجتماعات محلی به شمار می‌رود و قادر است از نظر اجتماعی با ایجاد همبستگی اجتماعی، از نظر فرهنگی با ایجاد تعهد اخلاقی، از نظر اقتصادی با کاهش هزینه‌ها و از نظر سیاسی با ترویج شکلی جدید از سیاست‌گذاری با مشارکت مردم در جهت ارتقای رفاه اجتماعی موثر باشد. بر اساس آن چه در ارتباط با دیدگاه توانمندسازی، مشارکت و سرمایه اجتماعی گفته شد فرآیند تبیین سرمایه اجتماعی در دستیابی به رفاه

اجتماعی و اقتصاد پایدار با توجه به دیدگاه توانمند سازی در بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیر رسمی در قالب چارچوب متدولوژی پژوهش^{۱۷} به صورت زیر پیشنهاد می‌گردد.

دیگرام (۴) - دیگرام تحلیلی: چارچوب متدولوژی پیشنهادی پژوهش از تبیین مفهوم مشارکت و سرمایه اجتماعی تا دستیابی به رفاه و پایداری اقتصادی در سکونتگاه‌های فرسوده و غیر رسمی



ماخذ: نگارندگان

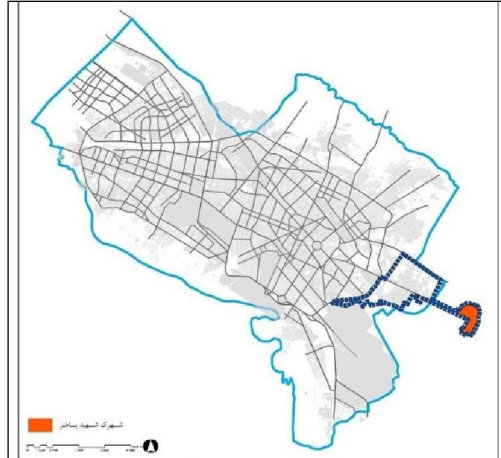
بررسی و تحلیل شهرک شهید باهنر

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرک شهید باهنر از جمله سکونتگاه‌های غیر رسمی و فرسوده شهر مشهد می‌باشد. این شهرک به صورت بافتی منفصل از محدوده شهر مشهد در طی چند دهه گذشته تحت تاثیر نیازهای سرمایه سوداگر، هجوم مهاجران از روستاها و شهرهای اطراف و پدیده طرد در کلانشهر مشهد، شکل گرفته است (نقشه شماره ۱). این شهرک دارای بافتی ناپایدار و ارگانیک می‌باشد. کمبود خدمات و توزیع نامناسب آن در شهرک از ویژگی‌های اصلی و بارز آن است. اقتصاد ضعیف محدوده و عدم جذب محدوده در نظام اقتصادی شهر منجر به بروز مشکلات متعددی در زمینه‌های اشتغال، درآمد و مهارت‌های شغلی شده است. عدم جذب محدوده در اقتصاد شهر منجر به تشدید عدم مشروعیت شهرک به عنوان بخشی مزاحم برای شهر مشهد شده است. تراکم بالای جمعیت و حضور گسترده مهاجران در محدوده منجر به بروز مشکلات عدیده‌ای در بخش‌های مختلف شده است و الگوهای رفتاری و اجتماعی شکل گرفته در شهرک سبب ایجاد رفتارهای اجتماعی جدا از جامعه شهری شده است. این ویژگی‌ها سبب افزایش میزان آسیب پذیری ساکنین در برابر آسیب‌های اجتماعی احتمالی شده است. در ادامه به بررسی شش شاخص تاثیر گذار اجتماعی و اقتصادی بر مشارکت و سرمایه اجتماعی (دیگرام ۳) شهرک شهید باهنر می‌پردازیم.

نقشه شماره (۱) - موقعیت شهرک شهید باهنر به عنوان سکونتگاهی غیر رسمی، منفصل و ناپایدار در شهر مشهد

¹⁷ Research Framework



ماخذ : مهندسان مشاور اساس شهر شرق ، ۱۳۸۹

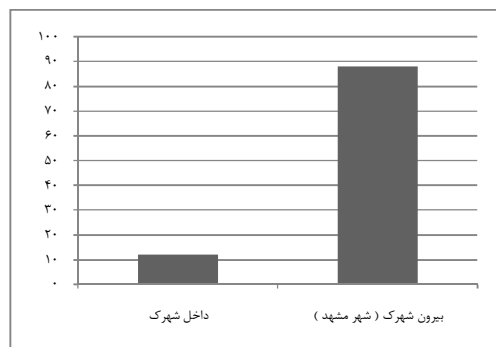
- سطح خدمات

شهرک شهید باهنر به دلیل نبود طرح و برنامه در پیدایش و توسعه شهرک فاقد سازمان‌دهی مطلوب عملکردی و تعریف شده می‌باشد. کمبود شدید تسهیلات و فضاهای خدماتی و پراکنش نامناسب خدمات موجود در محدوده نیز از ویژگی‌های بارز آن می‌باشند که معیشت و زندگی ساکنان را تحت تاثیر قرار داده است. وجود عملکردهای ناسازگار شهری داخل و اطراف محدوده مانند تعمیرگاه‌ها و کارگاه‌های مزاحم سبب ایجاد یک محیط شهری نامطلوب برای زندگی روزمره ساکنین شده است و اکثر ساکنین جهت دستیابی به خدمات مورد نیاز، به مناطق اطراف (به خصوص شهر مشهد) مراجعه می‌کنند.

- هزینه های حمل و نقل

این شهرک به عنوان یک شهرک اقماری در اطراف شهر مشهد و خارج از محدوده مصوب شکل گرفته است. کمبود دسترسی به حمل و نقل عمومی و ارزان قیمت به منظور دسترسی به شهر مشهد و تامین خدمات، هزینه‌های زیادی را برای ساکنین ایجاد کرده است. از این جهت هزینه‌های ناشی حمل و نقل به خارج از محل سکونت بخش مهمی از درآمدهای ساکنین را در بر می‌گیرد و به خود اختصاص می‌دهد.

نمودار شماره (۱) - درصد تامین خدمات مورد نیاز ساکنین در شهرک و خارج از آن



ماخذ : نگارندگان (برداشت های میدانی)

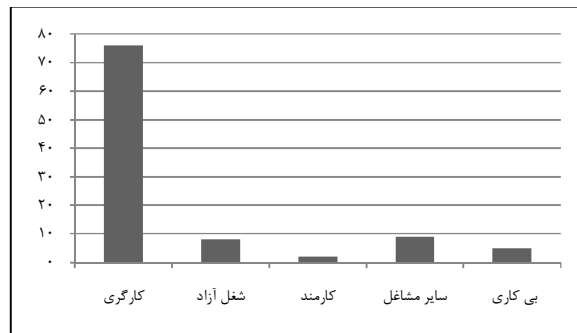
- بستر های رشد اقتصادی

وجود زمین‌های کشاورزی و زراعی در اطراف محدوده با توجه به خواستگاه روستایی مهاجرین، فرصتی مناسب جهت رشد اقتصادی سکونتگاه می‌باشد. این فرصت را از طریق وجود نیروی کار ارزان و خواهان کار می‌توان به صورت بالفعل مورد استفاده قرار داد. در واقع به دلیل کمبود مهارت‌های شغلی نزد ساکنین ایجاد فرصت‌های شغلی به منظور خود کفایی اقتصادی، به واسطه هویت روستایی ساکنین می‌تواند بستری مناسب جهت رشد و پویایی سکونتگاه باشد.

- امنیت درآمدی

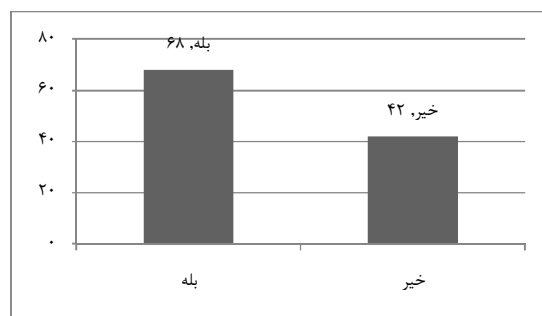
نبود شغل ثابت در تمامی طول سال و فصلی بودن شغل ۷۶ درصد از ساکنین، گرایش به تکدی‌گری و مشاغل کاذب منجر به نبود امنیت شغلی نزد ساکنین شده است. نبود امنیت شغلی به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر جنبه‌های مختلف روانی، فیزیکی، سطح اعتماد و... فرد تاثیر می‌گذارد. از این جهت اغلب ساکنین (حدود ۶۸ درصد) عنوان کرده اند فاقد امنیت شغلی و درآمدی هستند.

نمودار شماره (۲) - درصد اشتغال ساکنین شهرک شهید باهنر



ماخذ: نگارندگان (برداشت های میدانی)

نمودار شماره (۳) - درصد امنیت شغلی از نظر ساکنین محدوده

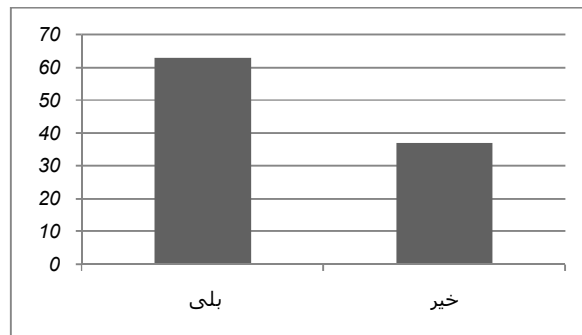


ماخذ: نگارندگان (برداشت های میدانی)

- شرکت در سرمایه‌گذاری‌ها

اکثر ساکنین (حدود ۶۰ درصد) از طرح‌ها و پروژه‌های در دست اجرا در محدوده بی خبر بوده و از آن اطلاع چندانی ندارند و به دلیل عدم اعتمادی که به نهادها و سازمان‌های مسئول دارند تمایلی به شراکت در سرمایه‌گذاری‌ها ندارند. این نگرش را می‌توان ناشی از عدم آموزش صحیح و اصولی ساکنین در ارتباط با مزیت‌های ناشی از آن و عدم شفافیت کافی سازمان‌ها و نهادهای ذیربط در ارتباط با شرایط سرمایه‌گذاری دانست.

نمودار شماره (۴) - درصد تمایل ساکنین به مشارکت در سرمایه‌گذاری به منظور توسعه شهرک



ماخذ : نگارندگان (برداشت های میدانی)

- مهارت‌های کارآفرینی

قسمتی از فعالیت اقتصادی شهرک شهید باهنر در بخش صنایع و کارگاه‌های کوچک می‌باشد. این بخش اقتصادی شامل کارگاه‌های تولیدی کوچک (مانند قالبیافی و تولید زعفران و ...) می‌باشد که پتانسیل‌های بالایی جهت گسترش دامنه فعالیت و توسعه بخش تولیدی شهرک دارند. در بررسی‌های صورت گرفته حدود ۴۵ درصد از ساکنین تمایل به فعالیت در این کارگاه‌ها در صورت حمایت کافی را دارند .

بر اساس موارد مطرح شده در بالا می‌توان گفت در زمینه اقتصادی و رفاه اجتماعی هیچ شاخصه ای تاثیر مثبت بر بهبود سطح زندگی و مشارکت مردمی نداشته است و مورد بی توجهی ، غفلت و عدم برنامه ریزی اصولی قرار گرفته است . به عبارتی دیگر می‌توان گفت بی اعتمادی ، نا امنی و عدم مشارکت واقعی ساکنین و عدم حمایت مسئولین مانعی بزرگ جهت بالفعل شدن توانهای رشد و توسعه محدوده ، به خصوص در زمینه اقتصادی و رفاه اجتماعی شده است.

بررسی ویژگی‌های شهرک شهید باهنر در ارتباط با مفهوم مشارکت

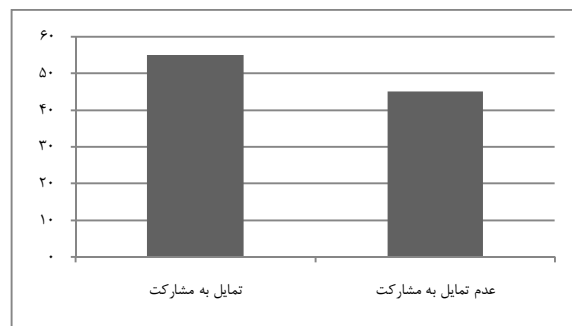
اکثر ساکنین این سکونتگاه فاقد ملک شخصی بوده و محل سکونتشان از نوع سند قولنامه‌ای می‌باشد (بیش از ۹۰ درصد املاک و زمین‌های موجود در محدوده در اختیار آستان قدس رضوی می‌باشد) و این در حالی است که بیشتر از ۶۰ درصد از ساکنین سابقه سکونت بیش از ۲۰ سال در این ناحیه دارند. این موارد در کنار عدم امنیت روانی و مالی را نزد ساکنین باعث شده است که بر میزان اعتماد آنها به نهادهای مسئول به شدت کاسته شود.

تحركات و جابه جایی‌های جمعیتی در این سکونتگاه در طی دهه‌های آتی کاهش پیدا کرده است و با توجه به سابقه سکونت ساکنین، تعلق خاطر در این سکونتگاه بالاست و بر اساس بررسی‌های صورت گرفته این تعلق خاطر نزد ساکنین قدیمی با درآمد پایین تر بیشتر وجود دارد. این شاخص توانایی ریسک پذیری و شرکت در برنامه‌های توسعه را مشکل می‌کند به عبارتی از میزان مشارکت مردمی را کاهش می‌دهد.

بی سوادی و کم سوادی، بعد خانوار بالا و درآمد پایین (بیشتر از ۹۰ درصد زیر خط فقر) ساکنین از جمله عوامل نامطلوبی می‌باشند که بر وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محدوده تاثیر منفی می‌گذارند و فرآیند مشارکت را با مشکل مواجه می‌کنند و آن را دچار کندی می‌کنند.

در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد بیشتر از ۴۵ درصد از ساکنین به شرط بهبود وضعیت زیستی فعلی سکونتگاه، تا زمانی که به حریم شخصی و زندگی آنان لطمه وارد نکند، آماده همکاری و مشارکت هستند (مشارکت ذهنی) همچنین مشخص شد که حدود ۵۵ درصد ساکنین در عمل تمایلی به مشارکت و همکاری ندارند و در برابر آن مقاومت می‌کنند (عدم مشارکت عملی) که دلیل آن را در بی‌خانمان شدن و بی‌اعتمادی به مسئولین بیان کردند. (بیشتر از ۸۰ درصد از ساکنین به دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های عمران و توسعه بدبین بوده و به آنها اعتماد ندارند).

نمودار شماره (۵) - درصد تمایل ساکنین به مشارکت در توسعه محدوده



ماخذ : نگارندگان (برداشت های میدانی)

بر اساس آنچه در بالا گفته شد می‌توان نتایج زیر را در ارتباط با شهرک شهید باهنر متصور بود :

- اکثر مردم حاضر به مشارکت واقعی در بهبود و توسعه شهرک نمی‌باشند.
- تعامل مناسب و مطلوب بین سه گروه مردم، کارشناسان و مسئولین در شهرک وجود ندارد.
- کمبودها و معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش قابل توجهی در کاهش مشارکت مردمی دارند.
- مردم به کارشناسان و مسئولین بدبین و بی‌اعتماد می‌باشند و نگرشی مثبت به آنها پیدا نکرده‌اند.

ارائه نتایج و پیشنهادات مرتبط با سرمایه اجتماعی و بهبود منابع و منافع اقتصاد شهری

مهمترین مسئله در مشارکت پذیری مردم در توانمند سازی شهرک شهید باهنر را می‌توان در تغییر نگرش ساکنین، که در سطح اول در جلب اعتماد و اطمینان تعریف می‌شود، نسبت به سیاستگذاران، سازمان‌ها و نهادهای ذیربط دانست. در این خصوص سازمان‌ها و نهادهای مرتبط باید با آموزش و تعلیم به ساکنین در خصوص برنامه‌های توسعه، اطلاعات آنان را افزایش داده و حس اعتماد و اطمینان را در آنها تقویت کنند و زمینه‌های لازم را جهت مشارکت واقعی مردم را فراهم کنند. مهمترین و اصلی‌ترین کاری که در زمینه تامین اعتماد و مشارکت در این سکونتگاه می‌توان متصور بود افزایش سطح سرمایه اجتماعی است که با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده می‌تواند باعث بهبود منابع و منافع اقتصادی افراد و در نتیجه افزایش رفاه و پایداری اقتصاد شهری شود. در این رابطه راهکارهای زیر به صورت خاص مطرح می‌شود .

- توجه و تشکیل نهادها و سازمان‌های خصوصی که بستر ساز تعامل بین گروه‌های سه گانه مردم، کارشناسان و سازمان‌های مجری باشند.
 - تعریف پروژه‌ها و طرح‌هایی برای افزایش سطح اعتماد مردم نسبت به طرح‌های توسعه.
 - توجه به استفاده از تخصص‌های مرتبط در زمینه برنامه ریزی و طراحی به منظور افزایش سطح اعتماد مردم.
 - طرح ریزی جلسات مشاوره و پاسخ گویی در خصوص پروژه‌های توسعه اقتصادی (مانند توسعه کارگاه‌های خانگی).
 - استفاده از برنامه‌های تبلیغاتی به منظور از بین بردن بی‌اعتمادی و نگرش منفی ساکنین به توسعه شهرک شهید باهنر.
 - توجه به نقش سازمان‌های مذهبی - فرهنگی با نقوذ مانند آستان قدس در تسهیل کردن فرآیند مشارکت و افزایش اعتماد
- در صورت افزایش سطح اعتماد و مشارکت واقعی ساکنین می‌توان نتایج زیر را در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه اجتماعی متصور بود:
- پایین آمدن هزینه‌های ناشی از تخریب و نگهداری تجهیزات شهری و تامین امنیت شهرک.
 - افزایش سطح درآمدی ساکنین به جهت آموزش‌های خود اشتغالی در کارگاه‌های خانگی.
 - کاهش هزینه‌های ناشی از اسکان دوباره و مسکن سازی به جهت مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های ناشی از تجمع با نهاد های دولتی.
 - کاهش هزینه‌های رفت و آمد به مناطق همجوار به جهت تامین خدمات و خودکفایی شهرک.
 - استفاده بهینه و افزایش کارایی اراضی بایر و رها شده در شهرک به جهت مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی.

منابع :

- اساس شهر شرق ، مهندسان مشاور (۱۳۸۹) طرح تفصیلی شهرک شهید باهنر مشهد .
- آیینی ، م. ۱۳۸۶ . اعتماد سازی، کلید طلایی یا رمز اصلی مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری، موضوعات اقتصادی، مالی و مدیریتی در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن ، چاپ اول.
- الوانی، س.م. و سید تقوی، ع. ۱۳۸۱. سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها ، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲.
- انصاری، م. ۱۳۷۹. مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی ، فرهنگ عمومی و وفاق اجتماعی ، تهران، شماره ۲۴.
- پور جعفر، م. ۱۳۸۸. جایگاه مشارکت مردمی در ساماندهی بافت های فرسوده شهری ، تهران ، نشر طحان.
- حاجی پور، خ. ۱۳۸۳. برنامه ریزی "محلّه- مبنا" رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهر پایدار، چکیده مقالات مقالات "همایش توسعه محلّه ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران" ، چاپ اول، تهران، شهرداری تهران.
- حبیبی، م.، سعیدی رضوانی ، ه. ۱۳۸۴. شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران . نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴.
- رهنما ، م. ۱۳۷۶. احیا بافت قدیم و توسعه شهری ، محلات مرکزی شهر ، پایان نامه دوره دکتری ، تهران ، دانشگاه تربیت مدرس.
- سعیدی رضوانی ، ه. ۱۳۸۴. شهرسازی مشارکتی برای ساماندهی قلعه آبکوه مشهد ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تهران .
- شریفیان ثانی، م. سرمایه اجتماعی: مفاهیم و چارچوب نظری، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۰ ، شماره ۲ .
- فوکویاما، ف. ترجمه غلامعباس توسلی. ۱۳۷۹. پایان نظم(سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، تهران، نشر جهان افروز .
- عابدین درکوش، س. ۱۳۸۵. درآمدی به اقتصاد شهری، نشر دانشگاهی، چاپ هشتم، تهران.
- غفاری، غ. ۱۳۸۵. بررسی موانع اجتماعی - فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان یافته در جامعه روستایی ایران ، تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران .
- مشکلاتی، پ. ۱۳۸۴. اداره شهرهای جهان با الگوهای مشارکتی ، شهرداری ها ، تهران ، شماره ۶۹.
- ناطق پور ، م. ج. و فیروز آبادی ، س. ا. ۱۳۸۵. متغیرهای تاثیر گذار بر سرمایه اجتماعی : شکل گیری سرمایه اجتماعی و فرا تحلیل عوامل موثر بر آن ، فصلنامه علوم اجتماعی ، شماره ۲۸.
- Bell, G & Newby, H(1974) community studies: An introduction to the sociology of the community. New Yourk, praeger.
- Glaeser, E., D. Laibson, and B. Sacerdote (2000) The Economic Approach to Social Capital, NBER Working Paper No. 7728(Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research).
- Glaeser, Edward L (2001) The Formation of Social Capital, Organisation for Economic Co-operation and Development
- Naryan, D(1999) Bonds and Bridge: Social capital and poverty. Washington, DC: The Word Bank (mimeo)
- www.oecd.org/dataoecd/5/17/1824983.pdf
- www.ILO.com